

عنوان مقاله

ترویج یوگا در شرکت‌های سرمایه‌داری: ابزار مدیریت منابع انسانی یا مکانیزم سلطه و استعمار نوین؟

مسعود عزیزی

مدیر و استراتژیست

تقویت رهبری در سازمان با معنویت

دانشگاه باقر العلوم

اینا: @jahadtv

09124937964

چکیده

در دهه‌های اخیر، یوگا به‌عنوان یک ابزار محبوب در مدیریت منابع انسانی توسط شرکت‌های سرمایه‌داری به کار گرفته شده است. این مقاله به بررسی علل محبوبیت یوگا در این سازمان‌ها پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این

تمرین با هدف بهبود رضایت شغلی، افزایش بهره‌وری، و سرپوش گذاشتن بر نابرابری‌های ساختاری به کار گرفته می‌شود. با استناد به نظریه‌های آدورنو درباره فرهنگ صنعتی و نقد استعمار نوین، این مقاله بررسی می‌کند که یوگا چگونه به ابزاری برای همزیستی نمادین با محیط‌زیست و طبیعت تبدیل شده، درحالی‌که هم‌زمان باعث تضعیف آگاهی اجتماعی نیروی کار و گسترش فردگرایی می‌شود. در این راستا، تأثیرات مخرب یوگا بر محیط‌زیست و مناسبات انسانی نیز تحلیل می‌شود.

مقدمه

یوگا، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین تمرینات بدنی و ذهنی، امروزه فراتر از فلسفه معنوی اولیه خود به ابزاری در دست شرکت‌های سرمایه‌داری برای مدیریت منابع انسانی تبدیل شده است. شرکت‌های چندملیتی این تمرین را نه‌تنها به‌عنوان راهکاری برای کاهش استرس کارکنان، بلکه به‌منظور افزایش بهره‌وری و مدیریت هزینه‌های سلامت روان ترویج می‌کنند. این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا صنایع سرمایه‌داری علاقه‌مند به ترویج یوگا هستند و چگونه این علاقه در چارچوب نظریه فرهنگ آدورنو، استعمار نوین، و بحران محیط‌زیست قابل تحلیل است.

یوگا به‌عنوان ابزار مدیریت منابع انسانی

:شرکت‌ها یوگا را به دلایل زیر در فرهنگ سازمانی خود ادغام می‌کنند:

1. افزایش بهره‌وری: کاهش استرس و بهبود تمرکز کارکنان منجر به افزایش کارایی می‌شود.

کاهش هزینه‌ها: جایگزینی یوگا با برنامه‌های جامع سلامت روانی. 2.

ترویج فردگرایی: تأکید بر آرامش شخصی و خودآگاهی به جای پرداختن به مسائل جمعی. 3.

کنترل نیروی کار: تبدیل کارمندان به افرادی که به جای اعتراض به شرایط کار، به دنبال آرامش درونی باشند. 4.

این روند را می‌توان در چارچوب نظریه فرهنگ آدورنو بررسی کرد، جایی که فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای سرکوب اعتراضات اجتماعی و تقویت سلطه طبقاتی عمل می‌کند.

نقد نظری: فرهنگ صنعتی و استعمار نوین

آدورنو و هورکهایمر در دیالکتیک روشنگری بیان می‌کنند که فرهنگ در نظام سرمایه‌داری به ابزاری برای سلطه تبدیل می‌شود. یوگا، به‌عنوان یک عنصر فرهنگی وارداتی، در این نظام از فلسفه معنوی اولیه خود جدا شده و به کالایی برای مصرف تبدیل شده است.

ابعاد استعمار نوین در ترویج یوگا:

مصادره فرهنگی: شرکت‌های غربی با تجاری‌سازی یوگا، آن را از 1. ریشه‌های معنوی و فلسفی هند جدا کرده و به کالایی جهانی تبدیل کرده‌اند.

2. سرپوش بر نابرابری: یوگا با تمرکز بر آرامش فردی، نیروی کار را از پرداختن به نابرابری‌های ساختاری بازمی‌دارد.

3. محیط‌زیست و طبیعت: ترویج یوگا به‌عنوان نماد همزیستی با طبیعت، تضاد آشکاری با سیاست‌های محیط‌زیستی شرکت‌های بزرگ دارد که اغلب خود عامل تخریب محیط‌زیست هستند.

فردگرایی در یوگا و تأثیر بر مسئولیت اجتماعی

یوگا با تأکید بر خود و آرامش درونی، در درازمدت منجر به تقویت فردگرایی و کاهش تعاملات اجتماعی می‌شود. این روند برخلاف مسئولیت اجتماعی است که بر تعهدات اجتماعی و بشردوستانه تأکید دارد (CSR) شرکتی.

CSR: پارادوکس یوگا و

بعد اقتصادی: شرکت‌ها با کاهش هزینه‌های سلامت روانی، از یوگا به‌عنوان ابزاری اقتصادی بهره می‌برند.

بعد اخلاقی: تأکید بر فردگرایی و انزوای اجتماعی در تضاد با اصول اخلاقی قرار دارد CSR.

بعد بشردوستانه: یوگا به جای تقویت تعاملات اجتماعی، به انزوا و اجتماع‌گریزی منجر می‌شود
خود یوگا عملاً کمکی نمی‌کند و با تعالیم یوگا، یوگی خود آسیب نمی‌زند ولی
منفعانه عمل می‌کند و جهاد و مبارزه و قاموس آن گناه نابخشودنی است .

محیط‌زیست و بحران انسانی

شرکت‌هایی که یوگا را ترویج می‌کنند، اغلب به‌طور هم‌زمان در تخریب
محیط‌زیست و گسترش نابرابری‌های اجتماعی نقش دارند

تناقض یوگا و محیط‌زیست: استفاده از یوگا برای نمایش همزیستی با طبیعت،
پوششی بر سیاست‌های ضدطبیعت صنایع سرمایه‌داری است

استعمار محیط‌زیستی: شرکت‌های غربی با بهره‌برداری از منابع طبیعی
کشورهای در حال توسعه، یوگا را به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به این
روند تبدیل می‌کنند

مدل مفهومی پیشنهادی

این مقاله یک مدل مفهومی برای تحلیل تأثیر یوگا بر سه محور زیر ارائه
می‌دهد:

1. اقتصاد: نقش یوگا در کاهش هزینه‌های سازمانی

2. فرهنگ: تأثیر یوگا بر تغییر نگرش‌های اجتماعی و فردگرایی.

3. محیط‌زیست: استفاده از یوگا به‌عنوان نماد همزیستی با طبیعت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یوگا به‌عنوان یک ابزار مدیریتی در شرکت‌های سرمایه‌داری، هم فرصت‌هایی برای افزایش بهره‌وری و سلامت روان ایجاد می‌کند و هم تهدیدهایی جدی برای تعاملات اجتماعی و آگاهی جمعی به همراه دارد. لازم است که این روند در چارچوب نظریه‌های فرهنگی و اجتماعی تحلیل شود تا از تبدیل یوگا به ابزاری برای استعمار نوین و سرپوش بر بحران‌های انسانی و محیط‌زیستی جلوگیری شود.

پیشنهادات

1. بازتعریف مفاهیم یوگا در راستای اصول جمع‌گرایانه.

2. گسترش آگاهی درباره پیامدهای فرهنگی و اجتماعی یوگا در مدیریت منابع انسانی.

انجام تحقیقات بیشتر در زمینه تأثیرات بلندمدت یوگا بر محیطزیست و 3. تعاملات اجتماعی

منابع پیشنهادی

1. آدورنو و هورکهایمر، دیالکتیک روشنگری.

2. هاروی دیوید، استعمار نوین و محیطزیست.

3. مطالعات مدیریت منابع انسانی در سازمان‌های چندملیتی.

4. تحقیقات مرتبط با تأثیرات فرهنگی یوگا و فلسفه‌های شرقی در جوامع غربی.